

عوامل اجتماعی موثر بر نشاط اجتماعی معلمان (مطالعه موردی)

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱

سامر پوردانش^{*۲}

حسین دانش^۳

چکیده:

شادمانی و نشاط از جمله نیازهای مهم انسان هستند و می‌توانند در مقابله افراد با مشکلات و رویارویی با فشارها و ارتقاء بهره‌وری کار نقش بسزایی داشته باشند. با توجه به نقش و جایگاه مهم معلمان در تربیت و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، هدف مقاله حاضر بررسی میزان شادمانی اجتماعی معلمان شهر تهران و شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر آن است. جامعه آماری شامل معلمان نواحی ۲۰ و ۲۱ شهر تهران است که با استفاده از فرمول کوکران، یک نمونه ۳۷۰ نفری از بین آنها برای مطالعه انتخاب شد. روش تحقیق؛ پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پرسشنامه بود. ابزار تحقیقات از اعتبار صوری برخوردار است. یافته‌های رگرسیونی و بررسی رابطه بین متغیرها نشان می‌دهد که در واقع متغیرهای زمینه‌ای و همچنین عوامل اجتماعی موثر از جمله خودبستگی، میزان درآمد، دینداری، ابعاد سرمایه اجتماعی، رضایت زندگی، شغلی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه‌های معنادار با نشاط اجتماعی افراد مورد مطالعه دارد.

کلمات کلیدی: شادمانی اجتماعی، معلمان نواحی ۲۰ و ۲۱ تهران، احساس امنیت، عدالت اجتماعی، درآمد،

احترام و منزلت

۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران. نویسنده مسئول: samerpoordanesh@gmail.com.

۳ کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران

مقدمه

احساس شادی و نشاط یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم‌سازی و بهسازی جامعه مدت مدیدی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است. به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و بانشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد احساس شادی از یکسو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر به دلیل ویژگی مسری بودن آن بستگی‌های فرد را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی کنند همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند. از این منظر نقش شادی و نشاط در زندگی افراد به حدی است که متفکر اجتماعی راسکین^۱ بر این نکته تأکید می‌ورزد که؛ ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد (خادمیان، فرجی، ۱۳۹۲).

به طور کلی نشاط اجتماعی مفهومی است که در سال‌های اخیر بسیار به آن پرداخته شده است و پژوهشگران و کارشناسان علوم اجتماعی برای آن شاخص‌های خاص در نظر گرفته‌اند و بر این مبنا در جوامع و کشورهای گوناگون آن را مورد سنجش و بررسی قرار داده‌اند. به اعتقاد برخی نشاط یکی از ابعاد اصلی تجربه است و در برقراری بهداشت روانی و خوشبختی، ایجاد فضای شناختی و رشد آن تأثیرگذار است (سیلیگمن و دانر^۲، ۲۰۰۲). وینهون (۱۹۹۳) جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف را از شادمانی ارائه کرده است. بر اساس این تعریف، شادمانی به درجه یا میزان قضاوت شخص درباره مطلوبیت کیفیت، کل زندگی خود اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (جعفری و همکاران، ۱۳۸۱).

از سال ۲۰۰۰ در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها متغیرهای نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی افراد جامعه بعنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است. به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، خشنودی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه‌یافته قلمداد کرد (دائر، ۲۰۰۳).

در ایران پس از انقلاب، کشور دوره‌های مختلفی از بحران‌ها و مسائل ملی را پشت سر نهاد. بحران سال‌های آغازین بعد از انقلاب و انواع برخوردهای ناشی از آن و مهاجرت گسترده با پس‌زمینه‌های سیاسی در دهه‌ی نخستین پس از انقلاب، جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، دوره‌های طولانی تحریم‌ها در چند دهه اخیر،

1 Roskin

2 Seligman & Danner, 2002

فراگیری یأس پس از جنبش‌های تحول‌خواه اجتماعی و سیاسی و مهاجرت‌های بعداز و... همگی دربرودن فرصت‌های شادمانی مردم نقش داشته اند (محدثی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان کلی زندگی تعیین می‌کند. یعنی هرچه انسان از زندگی و اتفاق‌های آن راضی باشد، شادتر خواهد بود و اگر اتفاق‌های گوناگون موجب از بین رفتن رضایت فرد شود، همین قدر نیز موجب پایین رفتن سطح کلی شادی وی خواهد شد و نکته قابل توجه این است که واقعیت‌های موجود موجب رضایت یا نارضایتی ما نمی‌شود، بلکه داوری در مورد این واقعیت‌ها تعیین‌کننده رضایت یا نارضایتی است (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲). بنابراین نشاط اجتماعی سرآغاز توسعه‌ی هر جامعه محسوب می‌شود و بی‌توجهی به این موضوع زمینه تخریب جامعه را فراهم می‌آورد. اگر شادکامی اجتماعی را حاصل شادی‌های افراد جامعه فرض کرد، می‌توان به این باور رسید که افسردگی‌های افراد در افسردگی جامعه موثر است. پس باید عوامل تأثیرگذار در ارتقای شادی‌های افراد کشف و برای گسترش این عامل‌ها در جامعه تلاش کرد.

اکنون به نظر می‌رسد معلمان نیز به عنوان بخشی از جامعه از این امر مستثنی نباشند. امروزه معلمان و دبیران به عنوان یکی از اجزای مهم در فرصت‌های تحصیلی و آموزشی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد بسیاری از معلمان از شغلشان راضی نیستند، از طرفی رضایت شغلی یکی از عناصر موثر بر نشاط اجتماعی محسوب می‌شود که به دنبال این امر برخی از این قشر اوقات فراغت خود را در شغل دوم می‌گذرانند که این امر می‌تواند عواقب و پیامدهای خطرناکی برای دانش‌آموزان و در نهایت جامعه به همراه داشته باشد (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱). نشاط اجتماعی یا شادمانی به عنوان یک پیامد مهم در احساس رضایت شغلی و خوشبختی انسان مطرح است که نه تنها زندگی شخصی، بلکه جنبه‌های حیات اجتماعی ما یعنی کنش‌ها و ارتباطاتی را که با دیگران برقرار می‌کنیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱).

اعتصابات مکرر معلمان طی سال‌های اخیر مبنی بر نارضایتی از مزایا و دستمزدها و همچنین آفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤید این نکته است که مبحث رضایت‌مندی، رفاه و نشاط مسئله‌ای اساسی است. به نظر می‌رسد بین مولفه‌های اقتصادی و رضایت‌مندی شغلی معلمان ارتباط معناداری وجود دارد به گونه‌ای که میزان حقوق دریافتی ماهیانه رابطه مستقیمی با شادکامی و رضایت‌مندی معلمان دارد (رحیمیان، ۱۳۷۳).

ارضاء نیازها (مادی و غیرمادی) موجب رضایت و نشاط اجتماعی می‌شود و آفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند یکی از پیامدهای مرتبط با عدم نشاط معلمان تلقی شود. با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت که ارزیابی نیازهای معلمان و اولویتی که آن‌ها برای هر یک از نیازها به منظور کسب رضایت شغلی و نشاط

اجتماعی قائلند درخور توجه است. چون عدم ارضای نیازها و نشاط علاوه بر کاهش کارآیی، ناراحتی‌های جسمی و روانی، اخلاق، اعتقادات و ارزش‌های فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین با توجه به آسیب‌پذیر بودن این قشر از جامعه، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که میزان نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران تا چه حدی است و چه عواملی می‌توانند بر کاهش یا افزایش نشاط اجتماعی آنان موثر باشد؟ بر این پایه، در این پژوهش تأثیر عواملی مانند میزان درآمد، احساس بیگانگی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی و دینداری بر میزان نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و رابطه معناداری احتمالی بین این متغیرها رد و یا تأیید می‌گردد.

هزارجریبی و آستین‌آفشان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)» به این نتایج رسیدند که احساس نشاط در بین ۱۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و بسیار کم می‌باشد و در مقابل ۲۸ درصد پاسخگویان از احساس نشاط بالایی برخوردار هستند. یافته‌ها بیانگر متوسط بودن این احساس در بین اکثریت پاسخگویان است، به این معنی که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها نشان داد که بین نشاط اجتماعی و میزان احساس مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، میزان ارضای نیازهای عدالت اجتماعی، پابندی به ارزش‌های دینی، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و بین احساس محرومیت اجتماعی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره در این پژوهش نشان داد که در مجموع ۵۳/۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی توسط متغیرهای؛ امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی قابل تبیین است. جامعه آماری این پژوهش افراد ۶۵-۱۵ ساله ساکن در استان تهران بودند.

زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین رضایت شغلی و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت» به این نتیجه رسیدند که رضایت شغلی معلمان با میانگین ۴۴/۲ درصد از حد متوسط کم‌تر و نشاط اجتماعی با میانگین ۵۷ درصد از حد متوسط بالاتر بوده است. رضایت شغلی و ابعاد آن با نشاط اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که سه متغیر رضایت از موقعیت شغلی، رضایت از روابط مناسب بین همکاران و رضایت از سرپرست با مدیر ۴۶/۷ درصد از متغیر نشاط اجتماعی را تبیین می‌کند.

فرجی و خادمیان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی» به این نتایج دست یافتند که ۲۰/۶ درصد دانشجویان در حد پایین، ۵۷/۱ درصد در حد متوسط و ۴/۳ درصد در حد بالا از زندگی شان رضایت دارند. در این تحقیق رضایت از زندگی با نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و

معناداری دارد که با افزایش میزان رضایت از زندگی، نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین متغیرهای درآمد و محرومیت نسبی و میزان رضایت از زندگی همبستگی معناداری وجود دارد. نمونه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شرق بود که برای گردآوری داده‌ها از پیمایش استفاده شده است.

گلابی و اخشی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی» به این نتایج رسیدند که میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. در ابعاد مشارکت اجتماعی، روحیه مشارکتی و در ابعاد نشاط اجتماعی بُعد رضایت از خود بیشترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص می‌دهند. میزان نشاط اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه گانه آن دارای همبستگی مستقیم و معناداری بود، ولی مشارکت و نشاط اجتماعی بر اساس جنسیت و وضعیت تأهل دانشجویان معنی دار نبود. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی با نشاط تربوده و دانشجویان فنی در بین دانشجویان مورد مطالعه از کمترین میزان نشاط برخوردار بودند. در نهایت تحلیل رگرسیون نشان داد که ۴۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی از روی ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی قابل تبیین است. همچنین، وجود روحیه مشارکتی بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دارا بوده است. روش بکاررفته در این پژوهش از نوع پیمایش و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل بودند.

چاپی و موسوی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان» به این نتایج رسیدند که سطح شادمانی در جامعه ایران پایین و بیش از نیمی از افراد میزان شادمانی‌شان کمتر از حد متوسط است. رابطه بین شادمانی و بی‌اعتمادی، آنومی و احساس ناامنی، معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. در سطح کلان رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی و احساس شادمانی وجود دارد. در مورد تأثیر عوامل مادی بر شادمانی نیز بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان اظهار کرد که در سطح خرد همراه با افزایش درآمد، افزایش چندانی در میزان شادی افراد به وجود نمی‌آید. اما در سطح کلان میانگین شادمانی افراد در کشورهای با سطح توسعه اقتصادی و درآمد بالاتر، بیشتر از میانگین شادمانی افراد در کشورهای کم درآمدتر است.

جانسون و کروگر (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین درآمد، رضایت از زندگی، و شادکامی» به این نتیجه رسیدند که برخورداری مالی و میزان درآمد فعلی با میزان رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری دارد. هالرو و هادلر (۲۰۰۶) در تحقیق «چگونه ارتباطات و ساختار اجتماعی می‌توانند خوشحالی و نگرانی تولید نمایند» به این نتیجه رسیدند که شادکامی و رضایت مندی به عنوان برآیند تعامل بین دو شخصیت فردی و انتظارات از یک طرف و ارتباطات اجتماعی و ساختارهای کلان از طرف دیگر می‌باشد. تفاوت بین رضایت مندی و شادکامی این است که رضایت مندی نتیجه فرآیند ارزشیابی شامل انتظارات مادی و اجتماعی و

اکتسابی می‌باشد و شادکامی نتیجه تجربه‌های مثبت به ویژه ارتباطات شخصی بسته می‌باشد. افراد مجرد خوشحال احتمالاً ده سال دیرتر از افراد مجرد ناراحت ازدواج می‌کنند. افزایش کیفیت شادکامی بطور کلی نیاز به انتقال ندارد، زیرا پایه شادمانی برای بعضی افراد نیاز به کاهش درشادی دیگران ندارد.

بارتون (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «عناصر ابزارهای کمک کننده جامعه‌شناسی به مطالعات شادکامی» به این نتیجه رسیدند که تحقیقات مهم علوم اجتماعی بر روی نشاط در دهه‌های اخیر عمدتاً به وسیله اقتصاددانان و روانشناسان صورت گرفته است. بسیاری از جامعه‌شناسان بطور واضح علاقمند به رفاه افراد مورد مطالعه شان می‌باشند. شادکامی یک احتمال مهم از رفاه می‌باشد و یک اشتغال همراه با مطالعات شادکامی ممکن است به راهی برای توسعه ارتباطات سیستماتیک بین رفاه و تحقیقات دانشگاهی منجر شود افرادی که با والدینشان صمیمی اند، خوشحال تر از افرادی هستند که تنها زندگی می‌کنند اما یک نوسان مختصر شادکامی در مراحل اولیه یک ارتباط با شیب کاهنده ای همراه است که در ابتدای بزرگسالی این شیب کاهنده، افزایش می‌یابد.

در طی پژوهشی، ملکاک^۱ (۲۰۱۱) به « بررسی کیفیت زندگی و نشاط ذهنی در دانشجویان کارشناسی» با این هدف که آیا کیفیت زندگی و چهار حوزه‌ی آن (سلامت جسمی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و محیط زیست) پیش‌بینی کننده‌های مهمی برای نشاط هستند پرداخته است و همچنین کیفیت زندگی را با توجه به متغیرهای جنس، سطح اجتماعی و اقتصادی، تعداد خواهر و برادر، محیط زندگی و سطح سواد والدین نیز مورد بررسی قرار داده است. داده‌ها نیز بوسیله آزمون‌های t-test و آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون گام-به‌گام بر روی حجم نمونه ۲۷۱ نفری با دامنه‌ی سنی ۱۷-۲۹ سال در یکی از دانشگاه‌های دولتی استانبول گردآوری شد. یافته‌ها نشان دادند که سلامت روانی، روابط اجتماعی و حوزه‌های محیط زیست به طور مثبت و معناداری نشاط را پیش‌بینی کرده بودند اما بین سلامت جسمانی و نشاط همبستگی مشاهده نشد. همچنین سطح اجتماعی و اقتصادی عامل‌های مهمی برای ارزیابی کیفیت زندگی بودند. وندریک (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «انطباق، پیش‌بینی و واکنش اجتماعی در شادکامی» به این نتیجه رسید که؛ بین میزان درآمد و نشاط ارتباط معناداری وجود دارد به طوری که با افزایش میانگین درآمد روزانه افراد رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد. در مجموع در تحقیقات داخلی احساس نشاط اجتماعی نسبتاً ضعیف است و کم و بیش تحت تأثیر پایگاه اقتصادی افراد است. در تحقیقات داخلی به صورت مستقیم رابطه احساس عدالت و از خودبیگانگی اجتماعی و نشاط بررسی نشده است. در این تحقیقات بیشتر بُعد فردی و روانشناختی نشاط مورد توجه قرار گرفته است و همین مسئله موجب شده طرح مسئله تحقیق به خوبی بیان نشود. تنوع در تحقیقات خارجی بسیار زیاد است و همانند تحقیقات داخلی درآمد و پایگاه اقتصادی تأثیر مستقیمی در نشاط دارد. به نظر می‌رسد در تحقیقات

1. Malkoc

خارجی با توجه به رفاه نسبی، معمولاً متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نسبت به اقتصادی، بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه از آزمون‌های آماری مناسبی جهت تبیین متغیرها استفاده شده است.

در چارچوب نظری تحقیق که اصلی‌ترین مرحله‌ی فرآیند تحقیق علمی است و پلی است بین مبانی نظری تحقیق و قسمت عملیاتی آن، محقق به دنبال این است که نظریه‌ای را که به بهترین وجه ممکن می‌تواند موضوع تحقیق را توضیح دهد، به عنوان چارچوب خود انتخاب نموده و از طریق آن ابعاد اصلی مسئله‌ی تحقیق، عوامل و متغیرها و احتمال رابطه‌ی درونی بین آنها را شناسایی نماید.

از دیدگاه وینهون^۱ رضایت از زندگی به وسیله مصاحبت عمیق قابلیت اندازه‌گیری دارد، زیرا که یک حالت ذهنی است. او رضایت از زندگی را تصور رایج یک فرد از ارزیابی کل زندگی اش می‌داند که سرجمع لذت و درد است (آرگایل، ۱۳۸۳). رضایت از زندگی دلالت بر آن دارد که چگونه مردم واقعاً رشد می‌کنند و یک ارزیابی کلی از زندگی را فراهم می‌کند که بازتاب افکار، شرایط و توانایی‌هاست (وینهون، ۲۰۰۳). او دریافت موقعیت اجتماعی در شادی تأثیر دارد، اطلاعات نشان می‌دهد که شادی به بخت و بدبختی احساس مربوط است، مردمی که در موقعیت بد قرار دارند که خود را بی‌نشاط تر از مردمی که در موقعیت خوب هستند، نشان دهند و مردمی که موقعیت شان بهبود یافته، تمایل دارند که خود را بسیار خوشحال نشان دهند و آنهایی که موقعیت شان بدتر شده تمایل به بی‌نشاط بودن دارند، پس شادی یک رفتار تغییرناپذیر نیست (وینهون، ۱۹۸۸). از سوی دیگر، عوامل شخصیتی هم بر نشاط افراد تأثیر گذارند. خلق می‌تواند هم بر سطح شادی مطلق و هم شادی نسبی تأثیر بگذارد و فرد را قطع نظر از کیفیت واقعی زندگی اش به یک ارزیابی معین از زندگی متمایل کند. تجربه لذت می‌تواند کوتاه یا با دوام باشد. رضایت بادوام از زندگی، رضایت از زندگی نام دارد و از نظر وینهون این واژه با عنوان شادی یا حتی بهزیستی درونی به کار می‌رود. زیرا هم با دوام است و هم مربوط به کل زندگی است (وینهون، ۲۰۰۰).

به نظر سیمن واژه بیگانگی امروزه چنان متداول شده که در تبیین هر چیزی بدان رجوع می‌شود سیمین صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در ۵ نوع (احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری یا احساس نا‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس تنفر) قابل تمیز داده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰). سیمین نیز با استعانت از بیگانگی، کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن را مسئول شرایطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی بین خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس

بیگانگی بر فرد چیره می‌شود و باعث نارضایتی و کاهش شادی و نشاط فرد می‌شود او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴).

از نظر کلمن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی به منزله کیفیت خوب روابط اجتماعی است. روابط افراد با دیگران شامل همکاری، همدلی، مشارکت و حمایت می‌شود و اینکه افراد چقدر می‌توانند بروی یکدیگر حساب کنند که در مواقع لازم به درد آنها خواهند خورد. در ارتباط با چگونگی و ساز و کار تأثیرگذاری روابط اجتماعی بر نشاط و یا سلامت روان افراد، دو دیدگاه یا مدل وجود دارد. مدل تأثیر مستقیم ادعا می‌کند که صرف داشتن روابط اجتماعی مثبت و مشارکت داشتن در امور و مسائل اطراف فرد، برای شادی و سلامتی افراد مفید است، چراکه عزت نفس افراد را بالا برده و به آنها احساس تعلق داشتن می‌دهد و در نتیجه احساس و عاطفه مثبت ایجاد می‌کند و صرف نظرات میزان استرس‌های زندگی، افراد را در مقابل سختی‌ها مقاوم ساخته، موجب تشویق آنها به برگزیدن تجربه‌های مثبت تر و شیوه‌های زندگی سالم تر می‌شود. مدل دوم یا مدل تأثیر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه گیرچنین استدلال می‌کند که روابط اجتماعی بخصوص هنگامی که فشار بالاست بر سلامت و شادی تأثیر می‌گذارد. به این صورت که روابط اجتماعی افراد را در مقابل تجربه‌ها و عاطفه‌های منفی حفظ و از تأثیرگذاری زیاد استرس‌ها جلوگیری می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷). پانتم سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (پورموسوی، ۱۳۸۱). از نظر پانتم و همکاران سرمایه اجتماعی یک پیش بینی کننده قوی برای تعیین میزان شادی افراد و کیفیت زندگی در اجتماع است. از این رو برای افزایش سطح شادی مردم بهترین راه سرمایه گذاری‌های اقتصادی است (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳). در کل پانتم اظهار دارد بالا رفتن سطح سرمایه‌ی اجتماعی نتایج مثبتی از جمله: افزایش رفاه اقتصادی، سلامت روان بهتر، دستاوردهای آموزشی بالاتر، سطوح پایین تر جرم و جنایت و همچنین افزایش کیفیت زندگی را در پی دارد. و تأثیر مثبت بر استانداردهای زندگی و افزایش پتانسیل برای منافع اقتصادی و فراتر از این‌ها، افزایش سطح شادی را از مزایای سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانست (پانتم، ۱۳۸۰).

دینداری به رفتار دینی در قبال باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود (غلام زاده بهبهانی، ۳۸۵). دینداری به تبعیت از مدل گلارک و استارک که شناخته شده ترین سنج دینداری است، به چهار بعد: اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی تقسیم شده است.

به نظر می‌رسد شادمانی انسان با افزایش ثروت افزایش می‌یابد و کاهش ثروت، شادی را می‌کاهد. برخی از صاحب نظران نیز همین عقیده را دارند. آرگایل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد، درآمد تا اندازه ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر شادمانی تأثیر

دارد (جعفری، ۱۳۸۱). شادمانی انسان با افزایش ثروت افزایش می‌یابد و کاهش ثروت شادی را کاهش می‌دهد. برخی از صاحب نظران نیز همین عقیده را دارند. برخی از محققان از جمله داینر، لوکاس اسمیت (۱۹۹۱) چنین گزارش کرده اند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادترند، اما مایرز چنین بیان کرد که بین سطح درآمد و شادی در میان مردم امریکا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد و آرگایل معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد.

هومنز به عنوان یکی از نظریه پردازان دیدگاه مبادله است استدلال می‌کند وقتی مردم پاداش‌های مورد انتظار را برای کنش‌هایشان دریافت نمی‌دارند یا تنبیهی را دریافت می‌دارند که مورد انتظار نیست خشمگین می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که پرخاشگرانه عمل نمایند و نتایج چنین رفتار پرخاشگرانه را ارزشمند ببینند. قضیه پرخاشگری فقط در مورد عواطف منفی دلالت دارد در حالی که قضیه تأیید به عواطف مثبت‌تر می‌پردازد و استدلال می‌کند که وقتی مردم پاداش مورد انتظار را دریافت می‌کنند، به ویژه اگر پاداش مورد نظر بیشتر از حد انتظار باشد، خرسند خواهند شد، در نتیجه احتمال بیشتری دارد که آن‌ها رفتاری را انجام دهند که تأیید دریافت داشته است و نتایج آن رفتار ارزش‌فزاينده ای خواهد یافت. غالباً افراد گوناگون در جامعه پاداش‌های یکسانی کسب نمی‌کنند. این امر موجب سرخوردگی و احساس ناعدالتی در جامعه می‌شود. به عبارت دیگر افرادی که احساس می‌کنند به آن چه استحقاق آن را داشته اند نرسیده اند و نسبت به وضع موجود احساس نارضایتی پیدا می‌کنند. در حقیقت با عنایت به نظریه هومنز می‌توان گفت افرادی که در جامعه احساس عدالت می‌کنند و معتقدند پاداش‌ها در جامعه با عدالت توزیع شده اند، احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند.

روش شناسی

از روش پیمایشی به عنوان شیوه ای که به کشف و شناسایی ویژگی‌ها، فراوانی و توزیع این ویژگی‌ها و نیز چگونگی روابط متقابل بین متغیرها در یک جامعه معین نظر دارد استفاده گردیده است. در اینجا از پیمایش تحلیلی به عنوان متداول‌ترین روش در تحقیقات میدانی با ارائه و تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. برای نیل به این هدف پس از تهیه پرسشنامه و بررسی اعتبار و روایی به کار رفته، کار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از جامعه مورد نظر شروع گردید. جامعه آماری از اداره کل آموزش و پرورش تهران، جمعیت ناحیه ۲۰ و ۲۱ مورد مطالعه می‌باشد که از این تعداد حجم نمونه ما برابر با ۳۷۰ نفر می‌باشد. برای انتخاب افراد جهت تکمیل پرسشنامه، از میان ناحیه‌های ۲۰ و ۲۱ آموزش و پرورش شهر تهران با استفاده از نمونه‌گیری به انتخاب افراد مورد آزمون اقدام کردیم. ابتدا جهت انتخاب حجم نمونه با استفاده از روش فرمول کوکران نمونه مقتضی را بدست آورده سپس با شیوه‌ی سیستماتیک پرسش‌نامه را به اجرا گذاریم.

یافته‌ها

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس برخی متغیرها

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۲۶	۰/۶۲
	مرد	۱۴۴	۰/۳۸
وضعیت تاهل	مجرد	۱۴۱	۰/۳۹
	متاهل	۲۲۹	۰/۶۱
درآمد	۸۶۷۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰۰-	۳۵۷	۰/۹۶
	۸۶۸۰۰۰-۱۷۳۴۰۰۰۰	۷	۰/۰۲
	۱۷۳۴۰۰۰-۲۶۰۰۰۰۰۰	۶	۰/۰۲
مدرک تحصیلی	دیپلم	۵۲	۰/۱۰
	فوق دیپلم	۲۲	۰/۱۲
	لیسانس	۸۸	۰/۲۷
	فوق لیسانس	۲۰۸	۰/۵۱
مقطع تحصیلی	ابتدایی	۱۰۲	۰/۳۵
	راهنمایی	۹۰	۰/۲۰
	متوسطه	۱۷۸	۰/۴۵
انتخاب شغلی	کاملاً موافقم	۵	۰/۰۱
	موافقم	۱۱	۰/۰۲
	نظری ندارم	۴۱	۰/۲۸
	مخالفم	۱۶۶	۰/۳۶
	کاملاً مخالفم	۱۴۷	۰/۳۳
نوع مدرسه	دولتی	۳۱۸	۰/۸۳
	غیر دولتی	۵۲	۰/۱۷
شاغل بودن همسر	بله	۲۸۶	۰/۷۷
	خیر	۸۴	۰/۲۳

ارقام جدول شماره نشان می‌دهد که پاسخگویان از میزان تحصیلات نسبتاً بالایی برخوردار هستند به صورتیکه نزدیک به ۰/۷۸ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاترند و اکثر پاسخگویان نگرش مثبتی به انتخاب شغلی خود ندارند به صورتیکه ۰/۶۹ درصد آنها مخالف انتخاب شغلی خود هستند. و ۰/۹۶ درصد آنها درآمدی زیر ۱۰۰۰۰۰۰۰ میلیون دارند.

جدول شماره ۲. ضرایب همبستگی پیرسون

متغیر	مقدار ضریب	سطح معناداری
رضایت از زندگی و رضایت شغلی	۰/۷۰	۰/۰۰۱
احترام و منزلت	۰/۷۵	۰/۰۰۴

رضایت از زندگی متأهلی	۰/۸۱	۰/۰۰۳
بعد اجتماعی نشاط	۰/۵۴	۰/۶۵
عدالت اجتماعی	۰/۳۱	۰/۷۹
سرمایه اجتماعی	۰/۷۷	۰/۰۱
دینداری	۰/۸۹	۰/۰۰۳
احساس بیگانگی اجتماعی	۰/۸۷	۰/۰۰۲

با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون و هم چنین سطح معنی داری می توانیم در متغیرهای تحقیق این مسئله را تبیین کرد که بیشترین تأثیر را احساس امنیت بر روی نشاط اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۹۰ درصد و سطح معنی داری ۰۰۰ بر روی افراد می گذارد. همچنین کمترین تأثیر را بعد اجتماعی نشاط با ضریب همبستگی ۰/۵۴ درصد و سطح معنی داری ۰/۶۵ بر روی افراد می گذارد.

جدول شماره ۳. آزمون همبستگی پیرسون

نشاط اجتماعی	ضرایب تعیین نشده		T	سطح معناداری
	ضریب بی خطا	ضرایب تعیین شده		
درآمد	۶۸/۰۰۰	۰/۶۱	۳/۶۸	۰/۰۲۶
سرمایه اجتماعی	۹۸/۷۸	۰/۶۷	۶۵/۷۶	۰/۰۱
عدالت	۹۰/۶۷	۰/۹۵	۵۶/۸۹	۰/۷۹
احساس بیگانگی	۹۰/۶۷	۰/۹۱	۸۶/۸۹	۰/۰۰۲
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۹۰/۵۶	۰/۷۳	۳۴/۱۴	۰/۰۳

نتایج جدول نشان می دهد ضریب تعیین برابر با ۰/۹۵ است که نشان می دهد نشاط اجتماعی نمی تواند تغییرات در عدالت اجتماعی را پیش بینی نماید. مقدار $Sig = ۰/۷۹$ محاسبه شده نشان می دهد نتیجه می گیریم که رگرسیون ما معنی دار نیست و مقدار $t = -۵۶/۸۹$ و $Sig = ۰/۷۹$ بیان گر آن است که ضریب رگرسیون معنی دار نیست.

جدول شماره ۴. نتایج رگرسیون گام به گام

شاخص	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	بتای استاندارد شده	سطح معناداری
رضایت از زندگی و رضایت شغلی	۰/۷۰	۰/۳۸	۰/۳۷	۰۰۰
احترام و منزلت	۰/۷۵	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۰۰۴
رضایت از زندگی متأهلی	۰/۸۱	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۰۰۳
بعد اجتماعی نشاط	۰/۵۴	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۶۵
مشارکت سرمایه اجتماعی	۰/۸۰	۰/۴۴	۰/۳۶	۰/۰۰۳
اعتماد سرمایه اجتماعی	۰/۷۵	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۰۰۵

احساس امنیت	۰/۹۰	۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۰۰۰
دینداری و نشاط اجتماعی	۰/۸۹	۰/۴۷	۰/۳۴	۰/۰۰۳
احساس بیگانگی	۰/۸۷	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۰۰۲

نتایج رگرسیونی حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میزان ضریب همبستگی در بین متغیرهای مستقل با وابسته بین متغیر احساس امنیت می‌باشد که این مقدار ضریب آن ۰/۹۰ می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده آن ۰/۴۸ است یعنی متغیر احساس امنیت توانسته ۰/۴۸ از متغیر وابسته یعنی نشاط اجتماعی را تبیین کند. با توجه به ضرایب همبستگی پیرسون و هم چنین سطح معنی‌داری می‌توانیم در متغیرهای تحقیق می‌توان این مسئله را تبیین کرد که بیشترین تأثیر را احساس امنیت بر روی نشاط اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۹۰ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بر روی افراد می‌گذارد. همچنین کمترین تأثیر را بعد اجتماعی نشاط با ضریب همبستگی ۰/۵۴ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۶۵ بر روی افراد می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

از جمله سوالات تحقیق بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل، میزان درآمد و هزینه خانوار و سابقه کار) بود که در نتیجه‌گیری از یافته‌های تحقیق در این زمینه باید گفت که نتایج نشان داد تمامی متغیرهای زمینه‌ای رابطه معناداری با نشاط اجتماعی دارند. همچنین ضریب تعیین رگرسیونی سابقه خدمت (۶۷) درصد میزان هزینه (۷۰) درصد، میزان درآمد (۶۱) درصد می‌باشد که اثرگذاری بسیار بالایی بر نشاط اجتماعی دارند. نتایج آزمون‌های همبستگی حاصل از تحقیق حاکی از این است که میزان ضریب همبستگی متغیرهای مستقل بر روی نشاط اجتماعی به این صورت است: رضایت از زندگی و رضایت شغلی همبستگی ۰/۷۰ درصدی با نشاط اجتماعی داشته‌اند، احترام و منزلت ۰/۷۵ درصد، رضایت از زندگی متاهلی ۰/۸۱ درصد، بعد مشارکت اجتماعی ۰/۸۰ درصد، اعتماد اجتماعی ۰/۷۵ درصد، احساس امنیت ۰/۹۰ درصد، دینداری ۰/۸۹ درصد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی ۰/۸۳ درصد، سرمایه اجتماعی ۰/۷۷ درصد، بیگانگی اجتماعی ۰/۸۷ درصد رابطه همبستگی معنادار با نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران داشته‌اند. در این بین احساس امنیت بیشترین همبستگی را با نشاط اجتماعی داشته است. دینداری، احساس بیگانگی، رضایت از زندگی متاهلی و مشارکت سرمایه اجتماعی نیز همبستگی بالای ۰/۸۰ درصدی با نشاط اجتماعی معلمان داشته‌اند. بعد اجتماعی نشاط و عدالت اجتماعی نیز همبستگی معناداری با نشاط اجتماعی نداشته‌اند.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با تحقیق هزارجریبی و آستین‌افشان (۱۳۸۸)، که به بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران) پرداختند و معتقدند. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها نشان داد که بین نشاط اجتماعی و میزان احساس مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، میزان ارضای نیازهای عدالت اجتماعی،

پایبندی به ارزش‌های دینی، مناسب بودن فضای اخلاقی عمومی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد همخوانی دارد اما در زمینه متغیر عدالت اجتماعی بین این دو تحقیق همخوانی وجود ندارد. شاه آبادی و همکاران در تحقیق خود بررسی رابطه بین رضایت شغلی و و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت به این نتیجه رسیدند که بین رضایت شغلی، موقعیت شغلی و نشاط اجتماعی معلمان رابطه وجود دارد که نتایج این تحقیق این موضوع را تایید می‌کند. فرجی و خادمیان در موضوع خود نقش رضایت از زندگی بر نشاط اجتماعی در نتایج خود بیان داشتند که بین رضایت از زندگی، احساس محرومیت با نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد که نتایج تحقیق مورد نظر ما نیز این موضوع را تایید می‌کنند. و گلابی و آحشی در تحقیقی مشارکت اجتماعی و نشاط را بررسی کردند که در نهایت به این نتیجه رسیدند که روحیه مشارکتی و بودن در گروه‌ها در نشاط دانشجویان اثر گذار می‌باشد در این تحقیق نیز نتایج فرضی‌های ما نشان داد که سرمایه اجتماعی مشارکتی بر نشاط تأثیر بالایی دارد.

مهمترین یافته این تحقیق این است که هر چه احساس امنیت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سطح دین داری، سرمایه اجتماعی، افزایش یابد نشاط اجتماعی بیشتر خواهد بود. از طرفی هر چه میزان از خودبستگی کاهش یابد بر نشاط افراد افزوده می‌شود. آنچه را که از یافته‌های رگرسیونی و بررسی رابطه بین متغیرها حاصل آمد این بود که در واقع متغیرهای زمینه ای و همچنین عوامل اجتماعی موثر(از خودبستگی، میزان درآمد، دینداری، ابعاد سرمایه اجتماعی، رضایت زندگی، شغلی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه‌های معنادار با نشاط اجتماعی افراد مورد مطالعه دارد. به طور کلی می‌توان گفت که فرضیه اصلی این مطالعه و پژوهش این بوده است که بین عوامل اجتماعی مورد نظر با نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد که این فرض مورد در تمامی متغیرهای اجتماعی مورد تایید قرار گرفت. اما دو فرضیه رابطه ابعاد اجتماعی نشاط و عدالت اجتماعی با نشاط اجتماعی رد شدند.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). روانشناسی شادی، مترجمین مسعودگوهری و حمید طاهر نشاط دوست و دیگران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ دوم، اصفهان.
- پانام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشرسلام.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
- ریترز، جورج؛ گودمن، داگلاس جی. (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه:خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران:انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- محدثی، حسن. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی دین، انتشارات یاداوران تهران، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۴). بیگانگی نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مقالات
- پورموسوی، فتح‌الله. (۱۳۸۱). ((جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی)) مجله راهبرد، شماره ۲۶، ص ۴۸-۹۰.
- چلبی، مسعود و موسوی، محمد. (۱۳۸۸). ((بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح خرد و کلان)) مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ و ۲.
- خادمیان، طلیعه؛ فرجی، طوبی. (۱۳۹۲). ((عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط دانشجویان)) فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، تابستان، شماره ۵، از ۱۹ تا ۳۸.
- زارع شاه آبادی، اکبر، رحمت‌الله توکان و محمود حیدری. (۱۳۹۱). ((بررسی رابطه بین رضایت شغلی و نشاط اجتماعی در دبیران مقطع متوسطه شهر جیرفت)) جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره ۴، زمستان.
- قدسی، علی محمد و همکاران. (۱۳۹۰). ((مطالعه رابطه بین عوامل اجتماعی و فرسودگی شغلی معلمان شهرستان قروه)) مجله سیاسی اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲.
- منتظری، علی و همکاران. (۱۳۹۱). ((عنوان میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مردم ایران)) فصلنامه پایش، سال یازدهم شماره چهارم، مرداد-شهریور.
- صادقی، محمدرضا، سوزان کاست نکه و مریم رجوعی. (۱۳۷۸). ((تأثیر فشارهای روانی و حمایت اجتماعی در افسردگی سالمندان)) فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۵، شماره ۳ و ۴.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت‌الله. (۱۳۸۱). ((شادمانی و عوامل مؤثر بر آن)) فصل نامه ی تازه‌های علوم شناختی، سال چهارم، شماره ۳، ۵۰-۵۷.
- جعفری، ابراهیم؛ محمدرضا عابدی؛ محمدجواد لیاقتدار. (۱۳۸۳). ((بررسی میزان شادمانی و عوامل همبسته آن درمیان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان)) گزارش نهائی طرح پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره طرح: ۸۲۰۱۰۱.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین افشان. (۱۳۸۸). ((بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)) جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۱، بهار.
- Seligman, E, and Danner, M. (2002). "Very Happy People", Psychological Science, n. 13
- Diner, E., Oishi, S., & Lucasc, R. E. (2003)" Personality culture and subjective well- being: Emotional and Cognitive Evaluations of life". Annual Review of psychology,

54, 81-84

Haller, H. & M. Hadler (2006); "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness", *Social Indicators Research*, 75: 169-216, <http://www.ssoar.info/ssoar/handle/document>

Veenhoveen. R (1988) the utility of happiness *Social Indicator Research* vo1. 33-35

Veenhoveen. R (2003) Happiness, *The Psychologist*, vol. 16. pp. 99-129

The Social Factors Affecting the Social Happiness of Teachers (Case Study)

Ali Reza Samiei Esfehani¹

Samer Poordanesh^{*2}

Hossein Danesh³

Abstract

Happiness and vitality are one of the most important human needs and they can play a significant role in coping with problems and confronting pressures and promoting productivity. Considering the role and importance of teachers in the education and community of students, the aim of this article is to investigate the social happiness of Teachers in Tehran and identify the social factors affecting it. The statistical population included teachers from the 20th and 21st regions of Tehran, using a Cochran formula, a sample of 370 of them were selected for study. The research method was a survey and a tool for collecting required data Instrument research has a formal validity. The results of regression analysis and the relationship between variables show that in fact, the underlying factors as well as effective social factors such as alienation, income, religion, dimensions of social capital, life satisfaction, occupation, economic and social status have a significant relationship with the social vitality of the subjects studied.

Key words: social happiness, Teachers of Tehran's 20th and 21st regions, feeling of security, social justice, income, respect and dignity

1 Associate Professor, Political Science University of Yasouj, Iran.

2* MSc student of political science at Shahid Beheshti University Tehran, Iran.

Corresponding author: samerpoordanesh@gmail.com

3 Master's degree in jurisprudence and private law, Tehran University of Justice and Administration, Iran.